

قزاق مال رعیت را گرفته برای قزاقخانه برود از بیرون آب ببرد. مدتی است اهالی دهات برای آب آوردن به اداره قزاقخانه مبتلا می باشند. حسین نام رعیت مسامحه در دادن مال می کند. قزاق باهفت تیر برای او خالی کرده تیری به حسین سعدآبادی وارد شده نفر قزاق مال را برای آوردن می برد. خبر به اداره قزاقخانه رسیده فوراً دو نفر قزاق حسین را به اداره برده مشغول معالجه می باشند. تاجه اقتضا کند.

در باب مالیه

ایضاً ابوالحسن خان مستخدم اداره مالیه که در دهات کتول مباشرت داشته دو سال حساب خود را با اداره تحفیه ۱۶۹ نکرده بود، حال که حساب مشارالیه را رسیدگی نموده هزار و هشتصد تومان باقی آورده است.

در باب خبر فوت

شانزدهم ماه اگست حاج الش تجارگوش تپه که سابقاً به عرض رفته بود مقتول شده است مجروح بود، حال برای حکومت خبر آوردند که فوت شده است. برای جلب قلوب اهالی گموش تپه قائم مقام رئیس نظمیه را برای فاتحه و تسلیت بازماندگان او فرستاده به گموش تپه رفتند.

در باب خبر

هفدهم ماه مذکور حسب الامر حکومت شصت نفر قزاق بایک صاحب منصب به قراسو رفته قراول باشند که خبر ورود بالشویک در حسینقلی شده است که عده آنها زیاد شده است. ایالت هم از قرار مذکور تایک هفته دیگر عزیمت گنبد قابوس خواهند کرد. تاجه اقتضا کند.

در باب ثقة السلطنه

به عرض رسانیده بود برای حرکات ناملایم مشارالیه حکومت تغییر نموده اند، استعفا از خدمت مرجوعه خود داده وزارت داخله قبول نکرده. روز هیجدهم قائم مقام مشارالیه را احضار کرده به دیوانخانه رفتند.

در باب معزولی کار گزار

رضاخان آصف الملک کار گزار استرآباد به واسطه طرفیت قائم مقام معزول [شده] محمد حسین خان قاجار اعتصام الممالک که رئیس کمیسیون گنبد قابوس بوده به جای او منصوب ۱۷۰ [شده] و حسینقلی خان پسر جناب معظم الیه منشی اداره کارگزاری می باشند.

۱۶۹ - بجای تسویه.

۱۷۰ - اصل: منسوب.

درباب خبر مضحك

ایضاً از طرف اداره نظمیہ جار کشیده‌اند اشخاصی که دعوت دارند به‌جای دیگر، باید به‌اداره اطلاع بدهند یا اینکه صاحب‌خانه صورت ورود میهمان خود را به‌اداره بفرستد.

درباب گنبد قابوس

قائم‌مقام حکومت گنبد قابوس و داروغه‌گری طایفه قجق وقان یخمر و طایفه آق اولی‌را کلاً بدمهدی‌شاه ایلیخانی واگذار نمود. حرکت بدفندرسک نمودند. تاجه‌شود.

درباب سوار

حکومت استرآباد به‌عرض رسانیده بود که مشغول گرفتن سوار ترکمان می‌باشند. سی‌نفر سوار تراکمه اتابائی خدمت ایالت آمده با اسبهای لاغر. هیچیک از آنها را قبول نکرده قرار شد بروند اسبها و تفنگ خود را عوض نمایند. یک فرسخی شمالی رفته دورأس مال، یک نفر آدم را اسیر کرده بردند. خبر به‌حکومت رسید، فوراً سواری به‌طایفه اتابائی فرستاده، هشت ساعت مدت، اسب و آدم را خواسته است. تاجه‌اقتضا کند.

نمبر ۲۸۵

۲۶ ماه اگست ۱۹۲۵

درباب کردمحلہ

اصلان‌خان سلطان قزاق که از طرف حکومت نایب‌الحکومه کردمحلہ چهار فرسخی مغربی بود حسب‌الفرموده به‌حکومت گموش‌تپه منصوب ۱۷۱ شده‌اند که مواظبت دریا و برای بالشویکها جلوگیری نموده باشند.

درباب کردمحلہ

فرستادن اصلان‌خان را به‌گموش‌تپه یک نفر اجزاء شخصی را به‌حکومت کردمحلہ فرستاده، دوسه‌روز قبل از گیلان به‌جهت مشارالیه تلگراف رسیده، به‌اهالی کردمحلہ اعلان می‌کند عده‌ای قزاق که وارد رشت شده است با بالشویک جنگ زیادی کرده‌اند و آنها را از رشت بیرون کرده، مهمات جنگی از آنها زیاد غنیمت گرفته‌اند و آنچه را دستگیر کرده‌اند خلع سلاح نموده به‌طهران فرستاده‌اند. تاجه‌اقتضا کند.

درباب بندر

میرزا علی‌اکبرخان که از ترس بالشویکها فراراً به‌شهر آمده بودند هشتم ماه

ذی حجه، ۲۳ ماه اگست به مأموریت بندر مراجعت، مشغول رسیدگی امورات می باشند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۲۹۵

۲ سپتمبر ۱۹۲۵

درباب حمل برنج

این روزها که نزدیک است برنج به دست بیاید ترقی نموده. يك من هفت قران الی هشت قران می فروشند. علت به واسطه جار کشیدن نظمیه است. تا چه شود.

درباب قزاقها

محمد علی نامی که تازه عیالی اختیار کرده سابقاً از جمله فاحشه ها محسوب می شد و شوهرش هم مقتول بوده روزها درب خانه را قفل کرده بازار می رفت. يك روز مراجعت از بازار درب خانه خود را باز دیده داخل شده چند نفر قزاق با عیال مشارالیه مشغول حال بودند. قزاقها فرار کردند. مشارالیه فوراً عیال خود را طلاق داده از خانه بیرون نمودند.

درباب نظمیه

مهدی خان رئیس نظمیه امر کرده است آژانها هم دروزه مشق کرده با هیئت نظامی در شهر و کوچه ها عبور نمایند.

درباب احضار قزاق

قزاقهای مأمور استرآباد عموماً مریض و مبتلا به مرض سفلیس و جرب گردیده، دوروز قبل رئیس قزاقها از مازندران به کردمحله آمده، قائم مقام برای ملاقات ایشان می روند. يك شب و يك روز در کردمحله توقف و مراجعت نمودند. يك عده ژاندارم مأمور است از مازندران عوض قزاق به استرآباد بیایند.

درباب تعدی

چند روز است به سبب مال گیری اداره قزاقخانه به اهالی استرآباد و دهات اذیت و بی احترامی از طرف قزاقها می شود. به علت آنکه برای رفتن به طهران اولاً مکاری نیست. ثانیاً هر نقطه مال هر کسی و هر اعیانی باشد جلوگیری کرده، بعضی را پول می گیرند. رها می نمایند. بعضی می برند. ابداً کسی قادر نیست مال خود را توی کوچه سوار بشود. از قرار مذاکره روز ششم ماه سپتمبر حرکت خواهند کرد. تا چه اقتضا کند.

نمره ۳۰۵

۱۳ سپتمبر ۱۹۲۵

درباب اعلان

سیم ماه سپتمبر چندنمره از طرف حکومت اعلانی در معابر استرآباد چسبانیده، هر کسی تراغ حقوقی دارد باید رجوع به عدلیه نماید. کلیه از شهر یا از دهات قدغن شده است که نظمیه هم مأمور است کسی که حقوقی باشد رسیدگی نکنند. لکن این مطالب را اعتنائی نخواهند کرد و شخص حکومت خود رسیدگی به امور حقوقی نموده، نظمیه هم برسبیل اولی.

درباب دسته بندی برای محرم

شب بیست و پنجم ماه سپتمبر اهالی محله نعلبندان و محله پای سرو به رسم معمولی همدساله دسته حیدری حرکت کرده به طرف محله سرچشمه می روند. جنب محله مذکور دسته سرچشمه حرکت نموده باهم تصادف می نمایند. هیچیک از طرفین بر نمی گردد. تراغ می شود. چند نفر قزاق همراه دسته نعلبندان بوده. به سبب بودن چند نفر قزاق که با محله نعلبندان مساعدت می کردند غالب گردیده زد و خوردی می نمایند. ریش سفیدان محله وارد [شده] بین ایشان را اصلاح [می دهند]. هر آینه جلوگیری نمی شد خطر عظیمی داشت که چند نفر قتل واقع شود.

درباب تعدی قزاق

دو نفر قزاق توی بازار يك رأس مادیان رعیت را گرفته، صاحب مال آه و ناله و گریه زاری دو قران پول قهوه خانه به قزاق داده رفت. چند قدمی رفت قزاق دیگر رسیده خواست مال او را ببرد. نا علاج گردیده مبلغ دو قران قرض نموده به قزاق می دهد. چند نفر تجار و کسبه رقت کرده حرکت نموده به دیوانخانه رفته شرح حالات قزاق را توی بازار با مردم عرضه بدارند. قزاقها متوحش شده آمدند نزد کسبه، چهار قران را مسترد نمودند.

نمره ۳۱۵

۱۳ سپتمبر ۱۹۲۵

درباب حرکت قزاق به طهران

سابقاً بدعرض رفته است قزاق مستخدم استرآباد مرخصی حامل کرده به طهران

بروند. از قرار مذکور ایشان را برای جنگ گیلان احضار کرده‌اند. برای رفتن خیلی تأکید شده و مال مکاری هم خیلی کم است. الاغ آجربری و خاکروبه‌کشی را جبراً گرفته بار [و] بنه را حمل به شاهرود نموده، پنجاه رأس الاغ از شاهرود به استرآباد آمده تماماً را اداره قزاقخانه توقیف [کرده]. به همین سبب آذوقه و غیره از قبیل خربزه، هیزم و زغال و برنج و غیره غیره برای نیامدن مال توی شهر ترقی فاحش نموده است. اجناس و اثاثیه دفتر قزاقخانه را در سربازار نعلبندان حراج کرده و حرکت به سمت طهران نمودند. تاجه اقتضا کند.

درباب تراکمه

ترکمانهای اتابائی که چندی در طایفه آقاولی رفته شرارت داشتند و چندی در رامیان با ایلخانی نزاع داشتند به توسط پیرمردان اتابائی خدمت حکمران آمده جزء سوار محسوب [شده] قرار شد ماهی شانزده تومان حقوق بگیرند. تراکمه وحشی را توی دیوانخانه منزل داده، آنچه را که روسها خرابی کرده بودند دولت تعمیر نموده مجدداً تراکمه مشغول خرابی عمارت دیوانی می‌باشند. توسط قائم مقام حالیه ماهی متجاوز [از] بیست هزار تومان از دولت برای آنها پول داده می‌شود. هر وقت به اندازه خریدی دلتنگی حاصل نمایند فوراً اسبهای خود را سوار شده به صحرا رفته یاغی [گری] و شرارت می‌نمایند. تمام زحمات دولت و پول گراف که این وزراء می‌خورند... ۱۷۲ ایران است.

درباب قزاقها

دو روز قبل قزاقی در محله میدان درب منزل آقا عبدالکریم مفیدی مال رعیتی را جاوگیری می‌نماید. رعیت مذکور آه و ناله کنان، قزاق گوش نداده. آقا عبدالکریم از خانه بیرون آمده به زبان ملایم به قزاق اظهار داشت چرا باعث صدمه و اذیت این بیچاره شدی. قزاق در جواب نامربوط می‌گوید. آقا عبدالکریم متغیر گردیده مال را از قزاق عنفاً گرفت اگر نفس بکشی پدرت را می‌سوزانم. قزاق می‌رود. چند قدمی رفته، یک نفر وکیل باشی رسیده شرح حال را شکایت می‌کند که مال را از من پس گرفتند. وکیل باشی درب منزل آقا آمده به معقولیت گفت چرا شما بی قانونی کرده، مال را از قزاق می‌گیرید. آقای مذکور جواب داده قانون مال مردم فلک زده را نگفته است عنفاً قزاقخانه ببرید. وکیل باشی جواب گفت کرایه می‌دهم. معزی الید جواب می‌گوید کرایه را بازبان خشونت ۱۷۲ و چماق نمی‌دهند. بعد از محاجه زیادی قزاقها عقب کار خود می‌زنند.

۱۷۲ - دو کلمه ناخوانا. ظاهراً: عقیده به خرابی.

۱۷۳ - اصل: خوشونت.

نمره ۳۳۵

۴ ماه اکتبر ۱۹۲۵

درباب ژاندارم

بعد از رفتن عده قزاق به طهران از طرف وزارت داخله امر شد یکصد و بیست نفر ژاندارم به استرآباد بیایند. از ساری حرکت کرده وارد بندر جز گردیده به سبب قتل ساعدالسلطنه که از ناحیه ژاندارم شده بود اهالی به حکومت تظلم می نمایند ژاندارم را برگردانیده در عوض سوار از تراکمه و سوار بنیچه استرآبادی را بگیرد برای این سرحد بهتر است. به این دلیل ژاندارم در بندر جز متوقف گردیده، لکن بیست و پنج نفر به عنوان پارکابی حکومت برای حرکت به جایی وارد شده اند.

درباب وکیل تراکمه

حکومت استرآباد دو هزار تعرفه توسط کربلائی غلامحسین قاجار و چند نفر سوار به طایفه گوکلان فرستاده، ایضاً توسط میرزاهادی سررشته دار قشونی مقداری تعرفه به جعفربائی فرستاده وکیل انتخاب نمایند. تاجه شود.

درباب بندر جز

سعیدالسلطان رئیس نظمیه شاهرود به توسط انتشارالملک رئیس تلگرافخانه شاهرود خدمت قائم مقام معرفی گردیده ایشان را به معاونت بندر جز فرستادند.

درباب معاون حکومت

به عرض رسانیده بود ثقتاً السلطنه به سبب تغییر حکومت استعفا داده قائم مقام میرزا شکرالله خان معاون اداره کارگزاری را برای کابینه حکومتی پیشنهاد نموده، وزیر داخله هم تصویب نمودند. لکن خود مشارالیه به توسط اعتصام الممالک کار گزار معاونت کارگزاری را خواهان است. قرار شده است معاونت حکومتی را به میرزا علی اکبر خان منشی سابق قونسلخانه روس واگذار نمایند. تاجه اقتضا کند.

درباب گنبد قابوس

حکومت استرآباد خرج تراشی برای دولت [می نماید]. مهدی خان همشیره زاده خود را به حکومت گنبد قابوس [با] ماهی یکصد و سی تومان حقوق فرستاده. ضمناً به سبب بی کفایتی مهدی شاه ایلخانی و کشیدن شیردوتریاک عدم کفایت را ثابت کرده، یک عراده توپ شصت تیره و سی نفر سوار جعفربائی همراه مهدی خان فرستاده رفتند. تاجه شود.

درباب تظلم اهالی و سرقت سابقه

عده‌ای گاو و مال که قبل از ورود قائم‌مقام تراکمه اتابائی چپاول کرده بودند، حکمران با بیست و پنج نفر ژاندارم و سی نفر سوار ترکمان روز ۲۸ ماه مذکور به طایفه اتابائی منزل نورحسن خان وارد [شده] اولاً مطالبه دونفر دزد را نموده ترکمانها قدری تسامح [نمودند] حکومت متغیر شده ناعلاج دزدهارا آورده قراردادند آنچه اموال منهویه بدتازگی برده شده است بدهند. تاجه اقتضا کند.

درباب سردار اشرف

معظم‌الیه از ترس حکومت چندی در بیلاق نزدیکی شاهرود بوده توسط آقاشیخ احمد مجتهد شاهرود، خدمت حکمران واسطه قراردادده نوشته نوشتند به استرآباد آمده يك رأس اسب تقدیم می‌نماید. تاجه اقتضا کند.

درباب بالشویکها

سیم ماه اکتبر خبر رسید يك عده بالشویک در حسینقلی و چکشر توقف داشته، دولت جدید روس آنها را عوض کرده هفتصد نفر دیگر فرستادند. تاجه شود.

نمره ۳۳

۱۱ ماه اکتبر ۱۹۲۵

درباب مجازات

پنجم ماه اکتبر قائم‌مقام با عده [ای] از سوار به طایفه داز می‌روند. دونفر ترکمان همان روز رعیتی را لخت کرده مال آنرا می‌برند. صاحب مال خدمت حکمران رفته عارض می‌شود. حسب الامر سوارهای جعفربائی دونفر دزد را دستگیر کرده به توسط سوارژاندارم به شهر فرستاده جلو دروازه بسطام هر دونفر را تیرباران نمودند.

درباب قتل

شب هفتم ماه مذکور از قریه سرخونکلاته دونفر به قریه جالین به عنوان سرقت انار می‌روند. مستحفظ باغ رسیده فحاشی می‌کند. او را تفنگ زده مقتول شد.

درباب اسیر

ایضاً به تحریک خوانین استرآباد که تراکمه را برای انقلاب سرحدی واداشته‌اند بیست و هشتم به قریه جالین يك فرسخی مشرقی رفته دونفر رعیت را اسیر کرده بردند. تا چه اقتضا کند.

درباب وکیل

قائم مقام برای انتخابات وکیل یک کوشش فوق العاده دارند. اشخاصی که برای دادن تعرفه به گوکلان و جعفر بانی فرستاده است هر یک را ماهی صد تومان حقوق وعده داده است که اوراق تعرفه را بداسم قائم مقام بنویسند.

درباب ورود

اختیار الملك رئیس تلگرافخانه را حکومت استرآباد تقاضا نموده دولت او را معزول کرده. بشیر همایون شاهزاده ترك آذربایجانی را که از فامیل قائم مقام است از ساری امر کرده به استرآباد وارد [کردند]، روز یازدهم جمعی ایشان را استقبال نمودند.

درباب کارگزار

به سبب ضدیت قائم مقام با آصف الملك وزارت خارجه مشارالیه را احضار بد طهران [و] اعتصام الممالک رئیس کمیسیون را منصوب [کرده]. مهدی خان پسر اعتصام الممالک رابه کارگزاری بندر منتخب کرده رفتند.

نمبر ۳۴۵

۲۵ ماه اکتبر ۱۹۲۵

درباب خبر

۱۴ اکتبر خبر رسید به سبب تاخت و تاز بالشویکها در تکد و خیوق هفتاد خانوار ایال جلای وطن کرده وارد بهرود اترك [شده] و سکونت اختیار کرده اند.

درباب امیر امجد

مشارالیه چندی است به عنوان بیلاق به کتول رفته اند. در ضمن زحمت اداره مالیه را فراهم کرده است. مانع از تصرفات املاک خاصه و دوسه مرتبه اجزاء مالیه [را] چوب زده خدمت حکمران عارض می شوند. قائم مقام به علت کنار جویی امیر امجد از امورات حکومتی دلتنگ شده، دو مرتبه او را به شهر احضار کرده نیامدند. روز شانزدهم از طرف حکومت چند نفر سوار مأمور شده بروند اگر اطاعت نکرده مغولاً او را به شهر بیاورند. راپرت را برای مشارالیه قبلاً می رسانند، به توسط میرزادادوخان دو رأس اسب برای حکومت تقدیم فرستاده بیست روزه اجازه خواستند خدمت حکمران برسند. تا چه شود.

درباب تعزیه داری

قائم مقام ده روزه در عمارت آقامحمدخانی مجلس تعزیه داری منعقد نموده در این

ده روزه مبلغ سیصد تومان مخارج روضه‌خوان و مصارف قند و چای خواهد بود.

درباب تهیه سوار

حسب الامر حکومت نورحسن خان بدطایفه داز رفته دونفر ریش سفیدان، چهارده نفر سوار برای اوامر حکومت به شهر آمده، برای حقوق سوارهای مزبور به وزارت داخله تلگراف و فهرست داده، بیست و پنج تومان به رسم انعام به ایشان داده عجلتاً مراجعت نموده تا حقوق ایشان تحویب شود.

درباب قتل

بیست و یکم ماه اکتبر خبر رسید دونفر رعایای قریه اجابن دریک فرسخی شمالی گوسفند تراکمه اتابائی را سرقت کرده شبان مخبر شده تفنگ می‌زند. سارقین هم تفنگ زده پرشامی (?) ترکمان که شبان گوسفند بوده مقتول شد. طایفه اتابائی جمعی خدمت حکمران آمده عارض شدند. تاچه اقتضا کند.

درباب قدغن آذوقه

یک ماه است تجار گموش تپه جو و گندم زیادی و مال التجاره از هر قبیل برای بالشویکها می‌برند. تجار استرآباد مال ذرعی و کای حمل کرده عوض آن آهن واجناس متفرقه از قبیل آئینه بزرگ و شیشه و قلع و بتزین زیادوارد می‌نمایند [و] پوطی سه تومان می‌فروشند. لکن قدغن گردیده ترکمانها مال التجاره و غله حمل نکنند.

درباب تلگراف

بیست و چهارم ماه مذکور قائم مقام اظهار می‌کرد تاکنون دولت به استرآباد مساعدت پولی می‌کرد، هر قدر وجه برای سوارهای یموت لازم بود می‌رسانیدند. حالیه وزارت داخله تلگراف کرده است حقوق سوارهای ترکمان سده خرج دولت آمده است. برای کسر ۱۷۴ بودجه من بعد فوق العاده لزومی ندارد. تاچه اقتضا کند.

نمره ۳۵

۴ ماه نوامبر ۱۹۲۵

درباب بالشویکها

بیست و ششم ماه اکتبر برای حکومت سوارهای یموت راپرت می‌دهند که برعهده بالشویکهای حسینقلی و کراسنودسکی افزوده گردیده مشغول کشیدن سیم تلفون می‌باشند.

تاچه شود.

درباب تلفون

قائم مقام برای کشیدن تلفون از شهر به گموش تپه و کرد محله بازدید نموده است. هزار تومان مخارج دارد. مشغول مذاکره با دولت می باشد که بعد از گرفتن اجازه این دو نقطه را تلفون بکشند.

درباب راپرت گیلان

۲۷ ماه مذکور خبر رسید که باعث وحشت استرابادی شده. تلگرافاً منتشر گردیده بالشویکها مجدداً رشت را «بمبارده» و تصرف نموده قشون دولت را شکست داده قزاقها [را] تا منجیل عقب نشانیده. از این خبر برای نرسیدن وجه و نداشتن قوه در استراباد حکومت مضطرب الحال [است]. لکن اضطراب مشارالیه فقط گرفتن وجوه است، تاکنون شصت هزار تومان اضافه از طهران وجه عاید مشارالیه گردیده، پانزده هزار تومان حقوق باسوارهای تراکمه و غیره داده، چهل و پنج هزار تومان اندوخته شده است. چهل و هشت روزه حقوق سوارهای یموتی را نیز داخته منتظر جواب مساعدی از وزارت داخله می باشند. هر آینه برای نرسیدن وجه اطمینان حاصل نمایند احتمال دارد استعفا داده به طهران بروند. تاچه اقتضا کند.

درباب بلدیہ

حسب الامر حکومت وقت سعد السلطنه رئیس مالیه مباشرت بلدیہ را واگذار به وکیل التجار نموده اند. لکن مرحوم معتمد الدوله به دولت تقاضا نموده که چهل نفر آژان اضافه نمایند. دولت حالیه آن تقاضا را مجری داشته که جمع آژان هفتاد نفر خواهند بود [و] ماهی ده تومان حقوق می دهند. سارقین کدر نظمیہ حبس بوده یک ماه است بالباس مخصوص و علامات کوچه های شهر را جاروب کشی می نمایند. دویم ماه نوامبر دو نفر از سارقین فرار می نمایند. آژان یک نفر را تفنگ زده مقتول [شد] و دیگری فرار کرد.

درباب تعمیر

ایضاً از طرف بلدیہ امر شده است ریاست مالیه دروازه های شهر را تعمیر نمایند. سه روز است دروازه محله میدان را مشغول تعمیر می باشند. تاچه اقتضا کند.

درباب توقیف

بدموجب قدغن حکومت که اجناس ذرعی را با آذوقه از شهر خارج نکنند اولاً نرخ اجناس تنزل کرده است. آنچه مال التجاره وارد می شود به جایی نمی برند. ثانیاً به قرب سی هزار تومان اجناس ذرعی را که می خواستند از شهر خارج نمایند حکومت دیوانخانه ضبط نموده است. تاچه اقتضا کند.

نمره ۳۶۵

۱۱ ماه نوامبر

در باب استخلاص

محمد باقر خان سردار رفیع که با افتاق خوانین مازندران یکسال و نیم در طهران مقیم و حبس نظر بود، با هزاران واسطه و مرحمت بیست هزار تومان خسارت که تمام املاک مشارالیه در بیع و کیل التجار است مراجعت بد هزار جریب نمودند. تاجد شود.

در باب قدغن

قائم مقام بد دولت پیشنهاد می نماید تراکمه یدوت که چمور می باشند بالغ بر نه هزار خروار شاتوک از قراء شرق و غرب استراپاد الی انتهای خاک فندرسک از رعیت و ارباب ملک بد عنوان ساخالوی می گیرند، ممکن است همین ساخالوی را بدینصند نفر سوارهای تراکمه بد عنوان حقوق بدهند مواظبت و سرپرستی اموال و مواشی اهالی استراپاد و دولت بدینصند سوارهای مزبور بوده باشد.

در باب خبر

نهم ماه نوامبر بد حکومت استراپاد خیردادند تلگرافی دولت بلوک ساور و شاهکوه را دجزا نموده همیشه حکومت شاهرود نمودند. تا چه اقتضا کند.

در باب خبر

ایضاً تراکمه خیوق عده زیادی جالی و اسن نموده بد واسطه قتل و غارت بالشویکها فرار بد سمت گرگان کرده اند. عموماً پریشان حال و گرسند و هر قدر مال و شتر توانسته همراه خود آورده و بد قیمت زانرا ۱۷ فروخته آنوقت از استراپاد خریداری کرده می یازند. تاجد شود.

در باب تغییر هوا

از اوایل برج میزان هوای استراپاد منتحب شده دو سه مرتبه باران شدیدی آمد. هوا بکلی سرد، لکن ای مواشی صحراها سبز و خرم مانند فصل بهار [است] تمام حیوانات در بیابانها تعلیف می نمایند. کثرت بارندگی باعث بر خرابی محصول شلتوکی بد بعضی بکلی باطل شده است.

نمره ۳۷

۱۸ ماه نوامبر ۱۹۲۵

درباب خبر

پانزدهم ماه مذکور برای حکومت راپرت می دهند که از طرف مهدی خان نایب الحکومه گنبد قابوس يك نفر سوار برای وصول طلب ترکمانی به طایفه قجق می رود که او را مغولاً بیاورد. ترکمان سوار مأمور حکومت را تیرزده فوت شد. خبر به قائم مقام رسیده يك نفر اجزاء شخصی را برای تحقیق بادونفر سوار به گنبد قابوس فرستاده رفتند.

درباب چاول

ایضاً خبر رسید به تحریک مهدی خان فندرسکی دوبلوک گوسفند تراکمه قان بخدر از سنگر حاجار چاول کرده بردند.

درباب تخلیه دیوانخانه

قائم مقام حکومت استرآباد به سبب کم وسعتی منازل دیوانخانه و مخروبه بودن عمارت دیوانی اداره نظمید را بدکلاه فرنگی آورده خود و اجزاء و کابینه تماماً به قونسلخانه روس اقامت نمودند.

درباب شورش

برای نرسیدن دو ماهه حقوق نظمید و اداره قشونی که یکصد نفر سرباز مستخدم می باشند باوا گردیده، اطراف اداره مالیه را قراول می گذارند. توسط حکومت پولی به اداره نظمید داده شد، ایشان ساکت شدند. لکن سربازها با کمال سختی اجزاء مالیه را توقیف و مطالبه حقوق می نمایند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۳۸

۱۹۲۵

درباب ورود پراخوت

شب بیستم ماه نوامبر يك پراخوت جنگی که حامل اموال زیادی از قبیل ملبوس و توپ و مال التجاره متفرقه بود نزدیک قراسو وارد می شود. چراغهای پراخوت را خاموش نموده هفت نفر با لتکا بد قراسو می آیند. اهالی بندر جز و اطراف متوحش شده لتکا يك بار آمده عمده [ای] ژاندارم که مستحفظ بوده آنها را دستگیر می نمایند. ایشان

اظهار می‌دارند که آمدن ما برای استیصال و گرسنگی می‌باشد. چهل و هشت نفر اجزاء پراخوت بیست و هشت نفر روس است، بیست نفر مسلمان. مال التجاره زیادی آوردیم. در مقابل آذوقه بدها بدهید. وقایع [را] رئیس ژاندارم با تلفون بدایالت استرآباد اطلاع می‌دهند. معظم‌الیه چون خیال عزیمت به گموش تپه را داشته جواب را موکول به رفتن خود گذارده، شخصاً تفتیش نمایند. روز بیست و نهم ماه مذکور به اتفاق بیست و پنج نفر ژاندارم و پنجاه نفر سوار ترك با رئیس مالیده به گموش تپه می‌روند. حسب الامر حکومت اتاخان رئیس سوارهای تراکمه را با دوسه نفر اجزاء برای تفتیش در پراخوت فرستاده بالشویکها شرحی از قحطی روسیه و گرسنگی اظهار داشته که در شمال روسیه يك طرف شدت سرما، يك طرف نداشتن آذوقه، فرقه بالشویکی آدم می‌خورند. هر قدر از حکومت تمنا کرده آذوقه بدها بدهند نپذیرفته مراجعت به روسیه نمودند. تاچه شود.

درباب قتل ملازم حکومت

به عرض رسانیده بود تراکمه طایفه قجق يك نفر اجزاء حکومتی را در گنبد قابوس بدقتل رسانیده، معظم‌الیه به خیال سرکوبی طایفه مذکور دو بیست نفر از تراکمه جعفر بائی را بایک عراده تریپ مسلسل همراه برداشته که جمع عده سیصد نفر زیاده نیستند به گنبد قابوس رفتند. تاچه اقتضا کند.

درباب ساخلوئی

حسب الامر ایالت کلاتر بلوکات سدن رستاق و استرآباد رستاق عشر ساخلوئی تراکمه را از کدخدایان بدقوه جبریده وصول و تسلیم بسندوق ایالتی می‌نمایند. لکن این مداخل از جمله مالیات جدید است که از رعیت همه ساله گرفته خواهد شد. تراکمه که عشر نخواهند داد ناچاراً رعیت باید متحمل بشود. تاچه شود.

درباب انقلابات هوای استرآباد

امسال هوای استرآباد زمستان را جلو انداخته من غیر فصل، اوایل پائیز از کثرت بارندگی برای مواشی و دواب در صحراها چندزار و عاف خوبی روئیده، لکن محصول شلتوک، در بعضی از نقاط باطل [شده]. در این موقع که فصل کاشتن غله می‌باشد باران مانع از برداشتن زراعت شلتوک شده. شدت باران و کثرت برودت هوا روز بیست و هشتم ماه نوامبر برف زیادی آمده که تقریباً هیجده ساعت آمدن برف امتداد داشته. لیکن جزئی بدزمین نشسته آنهم فوراً آب شد. تاچه شود.

نمره ۳۹۵

۱۶ دسمبر ۱۹۲۵

در باب گنبد قابوس

حکومت استرآباد مراجعت از گموش تپه یک شب در اتابائی و یک شب در سنگر سواد توقف کرده بین راه پست گذارده، روز دویم ماه دسمبر وارد گنبد قابوس می شوند. دو روز قبل از ورود میرزا مهدی پسر مرحوم حاج سید طاهر را به اتفاق سردار اشرف به رامیان فرستاده، مهدی شاه ایلیخانی را اطمینان از طرف قائم مقام داده خدمت حکمران آوردند. بعد از دوروز حکومت از طایفه آقاولی مطالبه قاتل و مالیات دولت را می نماید. رؤسای طایفه آقاولی که عبارت از چاروای طایفه اتابائی بوده باشند زیر گرگان در شمالی گنبد قابوس متجاوز از پانصد خانوار در این موقع ساکنند. به سبب ضدیت طایفه جعفربائی با آقاولی به همان عداوت سابقه که باقی هستند رؤسای طایفه مذکور خدمت حکمران می روند، عرض داشته، اولاً بادولت یاغی نمی باشیم و شخص شمارا هم به حکومت خواهانیم. لکن بودن این عده از تجار طایفه جعفربائی در گنبد قابوس [موجب] بدنامی و اختلاف بین است که باعث شده مهدی خان گماشته خودتان را بر علیه ایلیخانی فرستاده اند. فقط به میل تراکمه گموش تپه رفتار می نمایند که باعث بر قتل ملازم شمایی شود. باین صورت هر قدر جریمه و روسیاهی بخواهید اطاعت می کنیم. حکمران کاغذی به استرآباد نوشته و تلگرافاً از دولت دو بیست نفر ژاندارم می خواهد. پاکت را به توسط سوار مخصوص سنگر سواد می فرستند. یک نفر از اشرار طایفه آقاولی که مشغول فرستادن سوار بودند مخبر شده بدون نفر ترکمان رفته بسخو کرده سوار مذکور آنجا رسیده او را به کنار رود گرگان برده می کشند. اسب و تفنگ سوار را گرفته بداترک رفتند. در ضمن حکومت مشغول مذاکره اصلاح قتل سوار سابق را با تراکمه داشته، خبر رسید لطیف خان راهم در سنگر سواد به قتل رسانیده اسب و تفنگ را بردند. سوار طایفه جعفربائی به خیال انقلاب و ضدیت با طایفه آقاولی به حکومت راپرت می دهند. این مقدمه به تدریج مهدی شاه ایلیخانی می باشد. حکمران به رئیس طایفه آقاولی تغییر زیادی و امر کرده ایلیخانی را گرفتند. طایفه مذکور به فاصله دو ساعت کوچ کرده دو فرسخ عقب نشستند. بر علیه تراکمه جعفربائی اقدام به جنگ نمودند. حکومت باند داشتن قوه از کرده خود پشیمان ایلیخانی را مرخص می نماید. از جانب دولت هم ژاندارم و کمکی نرسیده به ناچار ۱۷۶ شرحی به طایفه جعفربائی به عثمان آخوند نوشته سیمند نفر ترکمان امداد خواسته به توسط لواء الدوله ریاست قشون شحت نفر سرباز و سی نفر آژان که مستحفظ شهر بوده اند روز دهم ماه دسمبر به توسط سوار پست فوراً احضار [شده] از قرار مذکور طایفه آقاولی راه برایشان مسدود کرده، علت رنجش مهدی شاه ایلیخانی می باشد که برای حکومت پیشرفت

ندارد تراکم جنگ نمایند. لهذا روز دوازدهم شصت نفر سرباز با دو صاحب منصب و سی نفر آژان و یک نفر سلطان به کمک قائم مقام گنبد قابوس فرستاده رفتند. تاچداقتضا کند.

در باب خبر

ایضاً خبر رسید سه چهار عرابه مال التجاره تراکم جعفر بائی را طایفه آقاولی بین راه چاپیده بردند.

در باب سوار

چهاردهم ماه دسمبر خبر رسید پنجاه نفر سوار از جعفر بائی به امداد قائم مقام گنبد قابوس رفتند. تاچه شود.

نمر ۴۰۰

۲۳ ماه دسمبر ۱۹۲۰

در باب بالشویک

هفدهم ماه دسمبر خبر رسید هفتصد نفر بالشویک که در حسینقلی توقف داشته [اند] تماماً به سمت اترلی حرکت نمودند.

در باب نظمیه

سعیدالسلطان نایب الحکومه بندر جز به ریاست نظمیه استرآباد برقرار. میرزا علی اکبرخان نایب الحکومه می باشند.

در باب توقیف

حکمران در بندر جز قدغن نمود از نطق که وارد می شود برای حمل آن بدنقاط دیگر مالیات بگیرند. باری یک تومان، پاترده هزار گرفته می شود. نطق که از گموش تپه وارد به استرآباد و حمل به شاهرود می نمایند برای مداخل حکومت قدغن گردیده هر کسی بدون اجازه نطق به جایی حمل نماید در اداره نظمیه توقیف [شود] و جریمه دارد. در صورتیکه مال التجاره گذشتن از گمرک در هر بلد باید آزاد باشد. به همین لحاظ نطق ترقی فاحش نموده، پوط هفت هزار، [بد] بیست و دو قران رسیده. تجار مجبورند باری یک تومان به حکومت استرآباد باج داده نطق حمل نمایند والا غیر ممکن است.

در باب ژاندارم

نوزدهم ماه مذکور نود نفر ژاندارم باریک نفر صاحب منصب سوئدی از مازندران

وارد شدند. تلگرافاً از طهران کسب تکلیف نموده بعد از حایل شدن اجازه بیست و یکم
دسمبر از راه صحرا به گنبد قابوس رفتند.

درباب اصلاح

چون تراکمه آقاولی بر ضد ترکمانهای جعفربائی خیال شرارت را داشتند قدری
هم نهن حکومت از حال مهدی شاه ایلیخانی مشوب بود، به ناچار ۱۷۷ امورات آنجا را به
مشارالیه واگذار نمود، ایشان هم برای خاطر ۱۷۸ حکمران پانصد رأس گوسفند از طایفه
آقاولی روسیاهی و خونی گرفته قرار به اصلاح داده‌اند.

درباب وکیل تراکمه

بعد از فرستادن تعرفه به گموش تپه عموماً رأی دادند آدینه محمدجان آخوند ساکن
گموش تپه را به وکالت انتخاب کرده منتظر مراجعت قائم مقام می‌باشند که وکیل مزبور
حرکت نماید. تاچدشود.

مخابرات استر اباد

۱۹۲۱

۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۹ - اول جمادی الاولی ۱۳۴۰

نمبر ۱۵

۶ جنواری ۱۹۲۱

درباب ورود

تائمه مقام سده ماه است تلگرافات زیادی بدولت نموده يك عده قشون برای محافظت سرحدی استرآباد می خواهد. بعد از مدتی به دشارالیه خبر دادند ژاندارم و قزاق فرستاده می شود. بدعرض رفته بود یکصد و بیست نفر ژاندارم از مازندران روانه داشته ورود به استرآباد تماماً آه و ناله بی پولی را داشتند. ایضاً از راه شاهرود يك عده قزاق که نود نفر پیاده بادوسه نفر صاحب [منصب] ایرانی به ریاست باقرخان سرهنگ روز بیست و هفتم دسمبر وارد [شده] تماماً گرسنه و پای برهنه بانداشتن پوشاک زمستانی که باعث انفعال حکومت و خجالت نزد سوارهای یموت گردیده است.

درباب اغتشاش

مطایفد جعفر بائی که يك عده سوار مرتب نموده خوانین آنها موجب گزافی می گیرند دو ماه است حقوق آنها تأخیر افتاده، رفتن حکومت به گنبد قابوس و یاغی بودن آقا اولی باعث شکست حکومت گردیده، پرده از روی کارها برداشته شده. تراکه بش اسفله چهل رأس گاو میش از جنگل کردم محله چپاول کرده روز بیست و نهم اهالی کردم محله سی رأس گاو میش تراکه را چپاول و تناص می نمایند. تاجچه شود

درباب حکومت

روز مذکور کارهای ایل قبیق و قان یخمر و حکومت آنها را واگذار به مهدی شاه ایلخانی نموده سی نفر ژاندارم برای محافظت مهدی خان همشیره زاده خود در گنبد قابوس

گذارده به قرب پانصد تومان اجناس از قبیل نمد و جوال و خورجین از او به‌های اطراف قجق و قان‌بخمر مالیات گرفته، طایفه آق‌اولی هم در باب پانصد گوسفند جواب کرده ندادند. حکومت ناچار* از ترس طایفه مذکور مراجعت از راه فندرسک یک‌شب میهمان ایلخانی بوده و یک‌شب درکتول میهمان امیرامجد. روز غره جنواری رؤسای اداران عموماً استقبال، مقارن ظهر وارد شدند.

در باب خبر

قنبر ۱۷۹ نام اصفهانی که در بندر سابقاً [بد] کمیته بالشویکی معتقد و از ترس حکومت فرار کرده بودند مجدداً با دستور محرمانه وارد بندر جز گردیده باسیدحسن خان رئیس نظمیّه چون سابقه داشته قراردادی برای دایر کردن کمیته می‌نمایند. بعد از سه‌شب عیال خود را برداشته حرکت بدست ساری [می‌کند]. میرزا علی‌اکبر خان مستحضر گردیده در منزل سیدحسن خان نظمیّه تفتیش نموده سه‌عدد مهر کمیته بالشویکی را به دست آورده مشارالیه را توقیف [کرده] و مطالب را با تلفن به حکومت استرآباد راپرت داده کسب تکلیف می‌نمایند.

در باب مجازات

چهارم ماه جنواری یک‌نفر ترکمان جغزبائی یک‌فرسخی شمالی مال یک نفر رعیت را گرفته ببرند. دو نفر کمک رسیده ترکمان را دستگیر کرده خدمت حکمران آورده‌چوب مفصلی زده امر کرد گوش آن را به درخت میخ کردند.

نمبر ۲۵

۲۴ جنواری ۱۹۲۱

در باب سرقت

نهم ماه جنواری خبر رسید تراکمه طایفه داز به‌علی‌آبادکتول شش فرسخی مشرفی رفته یک‌بلوک‌گاو، چند رأس مال می‌برند.

* - اصل: ناچاراً.

۱۷۹ - اصل، قنبر (هدجا).

درباب نطف

بابت باج ننت بدعرض رسانیده حکومت باری دوتومان، سدتومان باج رارسانیده قیمت پوطی سدتومان [و] دوقران می فروشند. تجار شاهرودی تلگرافاً بدریاست الوزراء شکایت [نموده] جواب دادند حکومت استرآباد گرفتن باج نطف خارج از قانون است. البته مطالبه نکنند. تجار شاهرودی تلگرافاً را خدمت حکمران ارائه می دهند. قائم مقام متغیر گردیده فحش زیادی بد دولت و تمام وزراء می دهند. امر کرده تاجر شاهرودی را از استرآباد تبعید می نمایند. تجار مجدداً به طهران شکایت کرده [اند]. رئیس الوزراء تلگراف تهدید آمیزی ۱۸۰ به حکومت قدغن سخت نمودند باج نطف را دیناری نگیرند. بر حسب پیکم ریاست الوزراء امر کرده قدغن را برداشته باج نمی گیرند. چند روزی تنزل کرده، عجالاً قیمت پوطی بیست پنج هزار است. تا چه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب ۱۳ ماه مذکور دزد طایفه 'تابائی' ده رأس گوسفند، يك رأس مال از جعفر آبد، نیم فرسخی مشرقی سرقت بردند.

درباب گنبد قابوس

۱۶ ماه جنواری خبر رسید پاترده نفر سوار قرقچی از اترك بدعنوان چپاول به گنبد قابوس آمده منزل قجق نام گوکلانی وارد [شدند]. طایفه آقاولی به مهدی خان نایب الحکومه کمک داده سوار و ژاندارم و يك عده ترکمان جمعاً دو بیست نفر حرکت کرده اطراف اوبه و سوارهای یاغی را محصور ۱۸۱ و قجق نام را مقتول [ساخته] سد نفر اسیر، پنجاه رأس گامیش آنها را چاپیده آوردند خبر بد حکومت رسیده امر کرد سه نفر مقصر را به استرآباد بفرستند. تا چه شود.

درباب حکومت

۱۷ ماه مذکور قائم مقام بدریاست الوزراء تلگراف می نماید امروز حفظ سرحدی و جلوگیری از اشراز تراکمه بسته بد رسانیدن حقوق است. ماهی چهار هزار تومان وجه برای سوارهای ترکمان لازم است. ریاست الوزراء جواب می دهد حکومت استرآباد در موضوع وجه اظهار کرده اید از این تاریخ به بعد را ابدأ اظهاری از وجه نکنید که

۱۸۰ - اصل: تحدید آمیزی.

۱۸۱ - اصل: محصور.

دولت دیناری پول ندارد. تاچه اقتضا کند.

درباب حکومت

بیستم ماه جنواری قائم مقام تهیه اردوئی دیده یا عده ای قزاق پیاده و سربازو ژاندارم که عموماً دو بیست و پنجاه نفرند با عده سوارهای جعفر بائی بدو حرای یموت رفته مالیات بگیرند. تاچه اقتضا کند.

درباب حکومت

ایضاً روز بیست و یکم معظم الیه به ادارات رسماً اخطار کرده اند چون دولت و کابینه وزرا هرج ۱۸۲ مرچ است زحمات یک ساله من بدهدر رفته مساعدت نمی شود، لذا از این تاریخ کنار جوئی از کارهای حکومتی دارم و منتظر بستگان و اجزاء شخصی هستم، از گنبد قابوس و اطراف جمع شده بد طهران خواهم رفت.

درباب حکومت

بیست و دویم استعفای قائم مقام پذیرفته شده توسط آقامیرزاهمدی و جمعی تجار تلگرافاً به دولت عرضه داشتند برای استرآباد وجود قائم مقام لازم است. اگر دولت غیر از ایشان را بفرستند ما به خود راه نمی دهیم. معظم الیه با اهالی بلد مشغول مذاکره با طهران می باشند. تاچه شود

نمره ۳

۳ ماه فرواری ۱۹۲۱

درباب بالشویک

بیست و ششم در شهر منتشر گردیده دو نفر نماینده بالشویکها وارد به گموش تپه گردیده یک پراخوت جنگی هم در عشوراده لنگر انداختند، حسب الامر حکومت پنجاه نفر قزاق پیاده را بایک نفر صاحب منصب برای محافظت به گموش تپه فرستاده رفتند.

درباب تبلیغ

بیست و هفتم ماه مذکور آدینه‌خان ترکمان ساکن گموش‌تپه چندی قبل دربادکوبه بود مراجعت کرده ملازم خود را خدمت‌حکمران فرستاده عرضه‌داشت رؤسای بالشویک بنده را برای تبلیغ مرام بالشویکی فرستاده و یک عده بالشویک هم چند روز دیگر وارد خواهند شد. قائم‌مقام چون از حکومت استرآبادکناره‌جوئی و تعرض داشته لهذا آدینه‌خان را محرک شده خبر بالشویکها را در شهر انتشار بدهند. جزئی‌نگرانی برای اهالی صادر گردیده لکن مطاب قابل توجه نگردیده است. تاچه اقتضا کند.

درباب مذاکرات حکومت بادولت

قائم‌مقام برای دشوار کردن حکومت سال آینده یک‌ماه است به دولت استعفاداده، مطالبه چهل و پنج هزار تومان طلب می‌نماید. در ضمن عده [ای] از تراکمه جعفر بائی را در شهر حاضر کرده تلگرافی تراکمه و عامای بلد و کسبه و تجار مخابره نمودند. مقصود که وجود این حاکم با کفایت در استرآباد لازم است. غیر از ایشان کسی رانمی‌خواهیم. در این باب جوابی رئیس‌الوزراء ندادند. تاچه شود.

درباب قزاقها

به قریب سی نفر از حمال و متفرقه را به عنوان قزاق در استرآباد گرفته‌اند. حقوق دو ماهه به قزاق نرسیده است. شب بیست و نهم دوسه نفر قزاق مشروب زیادی استعمال کرده با باقرخان سرهنگ طرفیت نموده فحش عرضی ۱۸۲ می‌دهند. بعد خدمت حکومت رفته تظلم می‌نمایند. باقرخان سرهنگ سه نفر قزاق را چوب مفعلی زده بیست و چهار ساعت حبس کرده چرا مطالبه حقوق نموده‌اند.

درباب عقدا اتحاد

جمعی از صاحب‌منعبان و رؤسای ادارات منتشر می‌نمایند دولت ایران اتحاد دولت انگلیس را نقض کرده با «سویت» روسیه عقدا اتحادی بسته‌اند. احمنانه اکثر از این مردم خوشحال می‌باشند. لکن ترکمانها جداً می‌گویند اگر دولت ایران این معاهده را بادولت بالشویک بنمایند ماها ابدأ حاضر نخواهیم شد دارائی و اهل و عیال ماها به دست بالشویکها بیفتند. تاچه اقتضا کند.

درباب نواقل

غره ماه فرواری به تحريك شخص قائم مقام كسان آقا علی خان باسی نثر رعیت از سرخونكلاته به شهر می آمدند. اجزاء نواقل مطالبه وجه می نمایند. چوب مفصلی به گماشته نواقل می زنند. در صورتیکه روزی پانزده تومان عاید نواقل است. تمام وجه در مالیه عوض حقوق گرفته می شود. دروازه و حصار شهر تماماً مخروبه [است]. ابدأ عمیده ندارند وجه نواقل معصرف شهر و برج و بارو بشود.

درباب خبر

ایضاً خبر رسیده چند عدد پراخوت از طرف بالشویکها بندر شهبوار می رود. هفتاد هزار تومان آذوقه حمل می نماید.

درباب خبر

ایضاً در بندر منتشر است داکولف قونسول معزول استراباد را با سمت وزیر مختار معین نموده عازم طهران است.

درباب قزاق

سیم ماه فرواری از طرف حکومت امر شده پنجاه نفر قزاق بایک نثر صاحب منصب برای محافظت و قراولی بندر جز برونده که اهالی آنجا از بالشویکها متزلزل می باشند.

نمره ۴

۱۴ ماه فرواری

درباب چپاول

پنجم ماه فرواری به واسطه نرسیدن سوارهای اتابائی بیست و پنج نفر سوار قرقچی یکصد و بیست فرد گاوهای رعایای زیارت خاستد رود را چپاول کرده بردند. لدی الورد. هشت نه رأس رامی کشند. حکومت دو نفر سوار ترکمان فرستاده به توسط پیرمردهای اتابائی یکصد گاو را گرفته آوردند.

درباب سرقت

روز ششم ماه مذکور جنب قراولخانه اداره نظمیه یک قبضه تفنگ پنج تیره بایک

ثوب عبارا بدسرت می‌برند. حکومت به رئیس نظمیه قدغن کرده است یا غرامت داده یا عین مال را بدصاحبش مسترد بدارند.

درباب خبر

هشتم ماه فرواری باتلفون خبر به حکومت دادند دو عدد لتکا [حامل] بالشویک وارد گموش تپه [شده] و عازم استرآباد هستند. برای تفتیش مطالب حکومت دروازه شهر مستحفظ گذارده روزنهم یک عراده بارکش بادونفر قفقازی وارد گردیده، از قرار مذکور به عنوان تجارت آمده‌اند.

درباب خبر

ایضاً خبر رسید یک عدد لتکا مال التجاره به انضمام ده نفر تجار تراکمه و دونفر کسبه استرآبادی که از بادکوبه می‌آمدند بین راه به واسطه طوفان دریا غرق شده‌اند.

درباب خبر

به عرض رفته بود مهدی‌خان بستگان قائم مقام در گنبد قابوس نایب‌الحکومه بایک عدد ژاندارم و توپچی و قزاق می‌باشند با تراکمه آق‌اولی طرفیت کرده نزاع سختی می‌نمایند. قریب سیصد سوار ترکمان اطراف گنبد قابوس و عمارت دیوانی را محاصره کرده هفت نفر ژاندارم، یک نفر قزاق بایک نفر گماشته مهدی‌خان مقتول بقیه ژاندارم و اجزاء نایب‌الحکومه را دستگیر کرده است و یراق و غیره آنچه بوده به بیغما می‌برند. روزدهم ماه فرواری این خبر به حکومت استرآباد رسیده است. درحیرت و متفکر است.

نمره ۵

۵ ماه فرواری ۱۹۲۱

درباب گنبد قابوس

پانزدهم ماه فرواری قاصدی از طرف مهدی‌خان معاون گنبد قابوس رسیده است، هزار سوار از اترک به کمک تراکمه آق‌اولیها آمده‌اند گنبد قابوس با اجزاء محاصره شب و روز مشغول جنگ و دفاع هستند. لکن بعد از قتل یک عدد ژاندارم چون او به تراکمه نزدیک بود مهدی‌خان بیست و چهار ساعت او به را با توپ «بمبارد» می‌نماید. سه نفر آدم کاری و به قرب پانزده نفر زن و بچه توی او به مقتول می‌شوند. عجالتاً عده سوارهای یاغی دوهزار نفر هستند و طایفه اتابائی هم یاغی شده به شهر می‌آیند و سوارهای زبده

رابه‌کمک آق‌اولی فرستاده بر علیه طایفه جعفربائی که طرفدار حکومت هستند رفتار می‌شود. قائم‌مقام در منزل شاهزاده رئیس تلگراف برای محاصره کسمیته مشورت و مذاکرات زیادی نموده، در ضمن ۱۸۴ پانزده هزار تومان وجه به‌توسط پست حواله‌برای اداره مالیه فرستاده شد. یک‌عده قزاق پیاده با چهل نفر آژان و پانصد نفر ایلجاری از دهات قرار است حرکت بدهند. روز هیجدهم ماه مذکور قزاق و آژان تماماً راسان داده به‌سمت گنبد قابوس فرستاده رفتند. ایضاً خبر رسید بین تراکمه گموش‌تپه بامجید دیوان برادرزاده قائم‌مقام برهم خورده، دو نفر از آدمهای ایشان را می‌زنند. ایضاً مجید دیوان با دویست نفر سوار ترکمان به‌شهر آمده حکومت با تراکمه به‌وعده پول قرار است بداتفاق گنبد قابوس بروند. لاکن قائم‌مقام در حضور تجار و علمایان شهر نطقی پولتیکی کرده است که من برای استخلاص اجزاء شخصی گنبد قابوس خواهم رفت. مراجعت از راه فندرسک به‌شاهرود می‌روم. ضمناً منتشر است دولت حکومت استرآباد و گوکلان را بدسردار معزز بجنوردی داده، قائم‌مقام نزاع گنبد قابوس [را] به‌تحریک سردار معزز بجنوردی می‌داند. این مسئله اشتباه است کلیه تقصیر با شخص قائم‌مقام است که یک نفر جوان بی‌تجربه را در گنبد قابوس گذارده بی‌جهت این همه خسارت و بابت قتل جمعی از ژاندارم و غیره می‌شوند. متجاوز از بیست نفر ژاندارم و اجزاء شخصی به‌قتل رسیده است. تاچه اقتضا کند.

در باب خبر رسمی از بادکوبه

«و کالت» یک نفر از اجزاء شخصی را بدعنوان تجارت به‌لباس ترکمانی بالتکا بادکوبه فرستاده مراجعت کرده است. راپرت می‌دهد در تاریخ ۲۲ جمادی‌الاولی نماینده رسمی از طرف عثمانیها وارد بادکوبه شده برضد بالشویکی اقدام دارد. هشت هزار قشون قدیم و جدید ترک [در] اردو دارند. بدستور نماینده عثمانی و گربانوف (?) قفقازی رفتار می‌کنند. عموم ایرانی و ترک و قفقازیها خیلی شادمان از دولت ایران و دولت بریطانیا امتنان دارند. علناً به‌حرکات وحشیانه بالشویکها اقدام و چندین اوراق‌شبنامه در کوچها انداختند به‌این عبارت است: «پایمال باد لنین، زنده باد افغان، ترک و ایران و اسلام و حمایت‌کننده اسلامیان یعنی دولت انگلیس.»

بالشویکها در بادکوبه آنچه مهمات جنگی و اسلحه داشتند در تاریخ ۲۵ حمل در شهر چوزن (?) کرد و کنار نموده، به‌قرب دویست پراخوت لنگر انداخته خیابان فرار کردن به‌سمتی را دارند. ایضاً در پارکتان (?) قفقاز چند نفر نماینده بالشویکها راجس کردند. از قوه بالشویکها روز به‌روز کم می‌شود و مابین مرام بالشویکها و مرام کمیونسثها ۱۸۵ اختلاف دارد. مرام «فرقه عدالت» ایرانیها در قفقاز روز به‌روز در خطر و قدر کمی هستند و عده‌ای از اینها هم‌روزه فرار می‌کنند. از بالشویکها متوحش هستند.

منشور الملك قونسول ایران هم برضد بالشویکها اقدام دارند. تجار ایرانی و عملجات کایه برضد بالشویکها قیام نموده قریب هفتاد و دو نفر اسرای هند در بادکوبه هستند در تعب و بدرفتاری به آنها می نمایند. هندیها را قفتازیها مهربانی می نمایند. چهار هزار ارامنه را خلع سلاح کرده در حبس دارند. همه شب يك عده از آنها رامی کشند. تا چه اقتضا کند].

درباب سرقت

شب بیستم ماه فرواری تراکمه اتابائی بدشهر آمده سه نفر آسیابان را مغولاً بادوبار آزد گرفته بردند. نزدیکی او بد رسیده آسیابانها را رها می نمایند

درباب مالیه

حکومت چون از توقف استرآباد منزجر گردیده لهذا عامداً محرك است تمام ادارات را برهم زده تعطیل بوده باشد. صبح بیست و یکم فرواری برای مواجب سوار ترکمان وجهی از سعدالسلطنه رئیس مالیه خواسته مشارالیه تسامح از دادن وجه نموده است. سی چهل نفر سوار ترکمان جعفر بائی را امر کرده به اداره مالیه رفتند. بیان السلطان معاون مالیه را با توسری زیاد در نظمیته برده حبس کردند. بعد امر کرده ترکمانها در بازار رفته دکانهای کسبه را بستند. اهالی را عموماً دعوت بدتاگرافخانه کرده، از رئیس مالیه شکایت نمودند دولت او را تغییر بدهد. تاچه اقتضا کند.

نمره ۶۵

۷ ماه مرج ۱۹۲۱

درباب حمل برنج

چندی است تراکمه برنج و گندم زیادی حمل بدبادکوبه می نمایند. محرمانه حکومت پول گزافی از آنها می گیرد. باینکه سابقاً دولت قدغن سخت نموده باج نطف را بگیرد ابداً اعتنائی نکرده باکمال آزادی وقوت قاب از تجار ترك و اربابان بادکوبه که به قرب سی نفر تجار محترم بداسترآباد آمده مشغول تجارت نطف می باشند وجوه نقد گرفته اتصالاً نطف حمل بدشاهرود می شود.

درباب سرقت

شب بیست و چهارم ماه فرواری دزد طایفه اتابائی يك رأس مادیان از قریه سید میران يك فرسخی مغربی سرقت کرده صاحب مال عارض می شود. حکم نمودند ترکمان مال را

مسترد نماید. ترکمانها جواب کرده به تحریک کربلائی نظر خان سردار اشرف که مشهور است به «رستم درحمام» مشغول شرارت و دزدی شده اند.

درباب گنبد قابوس

به عرض رسانیده بود یک عده ایلجاری و آزان و قزاق را به گنبد قابوس فرستاده اند. ترکمانهای آقاولی تماماً را محاصره کرده نمی گذارند از محوطه گنبد قابوس قدمی به جای دیگر بروند. اکنون شبها تا صبح اطراف گنبد شلیک تفنگ است. تراکمه گموش تپه در شهر به تحریک قائم مقام به افتضاح زیادی از رئیس مالیه پنج هزار تومان حقوق دو ماهه را گرفته به گموش تپه مراجعت نمودند.

درباب بالشویکها

بیست و هفتم ماه فرواری خبر رسید دوتنفر نماینده از طرف بالشویکها در طایفه آقاولی آمده اظهار می دارند هزار گوسفند و سیصد نفر شتر به ماها بفروشید، عوض اسکناس می دهیم. و دویبیرق هم به آنها داده اند. در موقع جنگ با استرآباد به شما کمک خواهیم داد. ترکمانها جواب داده ماهانه کمک می خواهیم ند گوسفند خود را با کاغذ معاوضه می کنیم. ایضاً خبر رسید عده [ای] بالشویک از حسینقلی و چکشلر حرکت کرده رفتند. تاجچه شود.

درباب حاج شیخ حسین

از طهران مکتوباً دستوری برای آقا علی خان باوکیلالتجار فرستاده، تلگرافی به امضای چند نفر مخایره شود قرارداد دولت فخریه را با ایران نقض کرده باشند. اسامی حاج محمد رحیم تجار - آقاهاشم - شیخ نصرالله پسر حاج شیخ حسین - شیخ اسمعیل قاضی - سردار اشرف - آقا میرزا مهدی مجتهد - تلگراف را اشخاص مذکور امضاء نموده برای حاج وکیل فرستادند. تغییر کابینه و توقیف چهار پنج روز اداره تلگراف و پستخانه و بیان نامه سید ضیاءالدین رئیس الوزراء یک رعب و توحش ۱۸۷ در حکومت و سایر ادارات دولت و اهالی انداخته، حال زبانها را برگردانیده بر علیه بالشویکها... ۱۸۸ می نمایند. تاجچه اقتضا کند.

درباب عدلیه

سلخ ماه مرج ریاست الوزراء ۱۸۹ به رئیس عدلیه منصور الممالک تلگراف کرده عدلیه را توقیف تا قرارداد و تشکیل عدلیه قانونی داده شود. تاجچه اقتضا کند.

۱۸۷ - (بجای وحشت).

۱۸۸ - یک کلمه ناخوانا.

۱۸۹ - کذا.

درباب گنبد قابوس

ایضاً خبر رسید در گنبد قابوس مشغول جنگ و دفاع از دشمن می‌باشند. برای نجات دادن اجزاء و عده [ای] از قزاق و آژان قائم‌مقام مجبور گردیده حکومت گنبد قابوس و ریاست طایفه آقاولی را بدمهدی‌شاه ایلیخانی واگذار [کرده] به‌توسط میرزا هادی خلعت برای معظم‌الیه روز چهارم ماه مذکور فرستاده. تاجچه اقتضا کند.

درباب حکومت

پنجم ماه مرچ قائم‌مقام اظهار می‌دارد حسب‌الامر رئیس‌الوزراء این دو روزه به طهران عازم و انتظار ورود مهدی‌خان و سایر اجزاء را دارند. لکن آقامیرزا مهدی و شیخ اسمعیل و آقاشیخ طاهر مجتهد در مدرسه حاج محمدتقی‌خان حجره آقامحمد قاجار اجلاس نموده شرحی از بابت معزولی قائم‌مقام عاجزانه خدمت رئیس‌الوزراء استدعا و مخابره نمایند که مشارالیه را از حرکت به‌طهران معاف داشته دراسترآباد توقف داشته باشد. تاجچه شود.

نمره ۷۵

۱۴ ماه مرچ ۱۹۲۱

درباب حرکت

شب نهم ماه مرچ امیرامجد از کتول کاغذی به‌حکومت استرآباد می‌نویسد عده‌ای ایلیجاری باقزاق و ژاندارم در گنبد قابوس در سنگرهای خود مشغول جنگ هستند. عده ترکمانهای آقاولی بالغ بر دوهزار و پیاده است. لهذا با این عده قلیل توقف اردو سخت است. ایلیجاری از شدت سرما و گرسنگی اکثر فرار کردند. قائم‌مقام کاغذی به میرزاهادی ایلیخانی نوشتند هر طور است دست از جنگ کشیده اردو را بامهدی‌خان مراجعت دهید بیایند.

درباب سرقت

شب یازدهم دزد طایفه اتابائی توی شهر منزل امیر مسیحی را شکافته دوراس... ۱۹۰ سرقت کرده بردند. سابقاً به‌عرض رسانیده بود قائم‌مقام توی شهر توسط بعضی شخصاً تراکمه را تحریک ۱۹۱ کرده و انتریک نموده برای گرفتن چهل‌هزار تومان وجه و حکومت سال آتی راهم واگذار بدایشان نمایند و بهمین علت طمع فوق‌العاده زحمات یک‌ساعه خود را به‌هدر داده است. ترکمانها مشغول شرارت شده اعتنائی ندارند. ثانیاً چون

۱۹۰- اسم حیوان را ننوخته است.

۱۹۱- اصل: محرك.

علمایان و تجار برای ابقاء حکومت مشارالیه تلگراف بدولت و خواهش کرده‌اند گمان استفاده نمی‌رود. در صورتیکه توقف نمایند مجبور است... ۱۹۲ چند نفر علما و تجار حکومت نمایند.

در باب حراج ۱۹۲

لیانازوف شصت و یک هزار تومان مقروض بوده، بیست و یک هزار تومان بدولت ایران مقروض است. دولت به حکومت امر نموده نماینده خود را بارئیس مالیه به قراسو بفرستند. دوازدهم مرج معاون حکومت با سعد السلطنه رئیس مالیه به قراسو می‌روند به طمع آنکه مبلغ گرافی از این حراج عاید حکومت خواهد شد. چون سابقاً تراکمه اسبابهای قابل را به سرقت برده، چوب، آهن و عمارات باقی مانده اجزاء لیانازوف هم بعضیها را فروخته‌اند. مقصود به عمل نیامده است.

در باب اردو

روز پانزدهم اردو از گنبد قابوس مراجعت می‌نماید. شرح حال اردو: روز آخری که جنگ شدت داشته مهدی‌شاه ایلخانی با عده سوار خود جنگ مفصلی می‌نماید. تلفات طرفین ده نفر از تراکمه مقتول و مجروح، زاندارم و پنج نفر، آژان دو نفر، ترکمان جمعربائی چهار نفر مقتول. پوست پی ایلخانی تیری ۱۹۲ برداشته خطرناک نیست. لاکن از قزاق و آژان و غیره بیست نفر مجروح می‌باشند. در این جنگ هر آینه شش عراده توپ می‌شد تراکمه یاغی تمام عده اردو را دستگیر کرده بودند. تمام زحمات و مخارجات دولت تلفات بی‌جهت فقط برای طمع قائم مقام بود که از تراکمه می‌خواست مالیات و مدخل نماید. ۱۴ ماه مرج رفت. ۱۹۵

نمره ۸۵

۲۱ ماه مرج ۱۹۲۱

در باب چپاول

پانزدهم مرج خبر رسید تراکمه قرقچی یک بلوک گاو از ترنگ تپه سد فرسخی مشرقی چپاول کرده بردند.

۱۹۲ - يك كلمه ناخوانا (شبيه يك هفته؟).

۱۹۳ - اصل: هراج.

۱۹۴ - اصل: ایلخانی پوست پی.

۱۹۵ - یعنی مخایره ۱۴ مرج فرستاده شد.

درباب حکومت

از طهران وکیل قائم مقام تلگرافاً خبر داده حسب الامر رئیس الوزراء ایوب خان سرتیپ بایک عد وقزاق مأمور است در استرآباد شمارا دستگیر کرده به طهران بفرستند. شب ۱۶ معزی الیه یک عده از علما و تجار را احضار کرده شرح حال برای ایشان بیان می نماید. استرآبادیها جواب داده مالا و جاناً باشما همراهی خواهیم کرد. دارالحکومه باقائم مقام قسم خوردند که اتحاد داشته باشند. چندی است به توسط علیقلی خان مسعودالملک هزارجریبی بین استرآبادی و اهالی مازندران را عقد اتحادی نموده تراکمه را هم محرک هستند. متفقاً باگموش تپه قرار داده دولت انگلیس را نمی خواهیم. زیر بار اوامر دولت هم نمی روند. ضمناً منتشر کرده اند قوام السلطنه را هم دولت احضار کرده، اهالی مشهد ازدحام نموده مانع از حرکت ایشان شده اند. عقیده مسعودالملک این است که خط مازندران را بد استرآباد وصل و اتحادی نموده ضمیمه خراسان و جزو فرمانروائی قوام السلطنه قرار بدهند. صبح ۱۶ مرج قائم مقام «وکالت» را احضار کرده شرحی مذاکره حالات خود را نموده که پیغام خدمت جناب شارل شارژدافر عرضه بدارم. در تبریز به ملاحظه دولت با انگلیسیها خدمات شایانی نمودم و گمان می کردم بر حسب وعده ایشان در موقع تنگ وباریک از من نگاهداری نمایند. در این موقع ریاست الوزراء از من سوءظنی حاصل کرده که من امنیت جانی و مالی ندارم به طهران بروم. تلگرافاً متوسل بدجناب وزیر مختار شدم ابدأ جوابی ندادند. باین زحمات یکساله و رشادت جلی در سرحد استرآباد بانداشتن قوه و قشون کاری عجیبورم از استرآباد کناره جوئی کرده، سزاوار نیست که امنیت جانی نداشته باشم. حتی المقدور باید دفاع نمایم. به گنبد قابوس می روم. ظهیرالملک حکومت استرآباد است. از طرف رئیس الوزراء هرآینه یا از سفارت انگلیس اطمینان کاملی به من دادند مراجعت می کنم، والا با عده سوار خود در گنبد قابوس ساکن شده، یا اینکه به مشهد رفته ملحق بقوام السلطنه می شوم ۱۹۶. نایب الحکومه و سایر اجزاء که در شهر هستند شخصاً با عده ای سوار بعد از ظهر به طرف گنبد قابوس رفتند. تا چه شود.

درباب رئیس مالیه سعد السلطنه و لد مرحوم میرزا ابوالقاسم خان مستوفی

ساکن کاشان نبیره قوام الدوله مرحوم

به عرض رفته بود میرزا عبدالحسین خان نایب الحکومه با سعد السلطنه و مفتش مالیه برای حراج اجناس لیانازوف به قراسو رفته اند. بدستور قائم مقام ملاخان رئیس سوار طایفه جعفربائی با بیست نفر سوار همراه برداشته به قراسو می رود. رئیس مالیه را با مفتش کتک زیادی زده تحت الحفظ به او بدهش اوسقه برده پنج هزار تومان حقوق سوارهای ترکمان را مطالبه دارند. مطالب [را] تلگرافاً به طهران اطلاع می دهند. تا چه اقتضا کند.